آیت الله العظمی مکارم شیرازی

ازدواج

الگوها، معیارها و ارزشها





بسم الله الرحمن الرحیم

ازدواج : الگوها، معیارها و ارزشها

نویسنده:

آیت الله العظمی ناصرمکارم شیرازی

ناشر چاپی:

مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

ازدواج : الگوها، معیارها و ارزشها

مشخصات کتاب

سرشناسه : مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۰۵ -

عنوان و نام پدیدآور : ازدواج : الگوها، معیارها و ارزشها/ مکارم شیرازی.

مشخصات نشر : قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب(ع)، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : ۸۵ص.؛ ۵/۱۴ × ۲۱س م.

شابک : ۸۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۳-۰۸۸-۸ :

یادداشت : پشت جلد به انگلیسی: makarem shirazi. exampiary marriage.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیر نویس.

موضوع : زناشویی (اسلام) -- آداب و رسوم

رده بندی کنگره : BP۲۵۸/۵/م۷الف۴ ۱۳۸۸

شماره کتابشناسی ملی : ۳۵۴۶۲۷۲

ص:۱

اشاره

فهرست مطالب

مقدمه

یک مشکل بزرگ

امروز مسأله تشکیل خانواده و ازدواج جوانان به صورت یکی از پیچیده ترین مسایل حادّ اجتماعی درآمده است، وکمتر خانواده ای است که دارای دختر و پسر جوانی باشد وبا این موضوع دست به گریبان نباشد.

بسیاری از مشکلات طاقت فرسای این مسأله مهم و در عین حال ساده، زندگی را در کام خود فرو برده و به صورت هیولایی وحشتناك درآورده است.

دختران زیادی در خانه ها مانده و در انتظار ازدواجند، ودرحالی که هیچ مشکل اساسی ندارند، خود را در برابر انبوهی از مشکلات جانکاه و موانع غیرقابل عبوری مشاهده می کنند.

از سویی دیگر نیز، پسران زیادی، سنین شاداب جوانی را پشت سر گذارده، و در زندگی سرگردانند، در حالی که آرزوی تشکیل خانواده را دارند، آداب و رسوم زشت اجتماعی و پیرایه های غلطی که به این امر حیاتی بسته اند، آنها را از رسیدن به مقصود باز می دارد.

و عجیب این است که این مسأله در خانواده های مرفّه وفقیر از امور پیچیده به حساب می آید ! چرا که هرکدام کوهی از توقّعهای غلط را بر دوش می کشند، و زیر آوار سنگینی از آداب و رسوم موهوم دست و پا می زنند.

و اسفبارتر اینکه چون پایه ها از آغاز کج گذارده می شود، بنای بسیاری از خانواده ها، تا گنبد دوّار کج می رود، و چون شالوده محکمی ندارد پیوسته دستخوش نوسانات واضطرابات و ناراحتیها می شود.

این در حالی است که می دانیم «خانواده بزرگ بشری» از همین «خانواده های کوچک» تشکیل می شود که هر یک به منزله آجری در این ساختمان عظیم است، و استحکام این ساختمان عظیم بستگی به استحکام این واحدهای کوچک دارد.

اگر این آجرها محکم و صاف و با دوام و پرصلابت باشند این مجموعه عمر طولانی و مفید دارد، و به عکس اگر سست

وناموزون باشد، دائم دستخوش تلاطم و ناهنجاریها است، وبه سرعت از هم فرو می پاشد و متلاشی می شود.

بنابراین، مسأله تشکیل خانواده براساس الگوها ومعیارها وارزشهای صحیح، از یکسو رابطه مستقیم ونزدیکی با حلّ مشکلات خانوادگی و نابسامانیهای شخصی مردم دارد، و از سوی دیگر نیز پیوند روشنی با حلّ مشکلات اجتماعی دارد.

به همین دلیل برای تحکیم روابط عمومی و اجتماعی انسانها، باید قبل از هر چیز به فکر استحکام ریشه اصلی افتاد، وپایه های خانواده را بر شالوده قوی و محکم بنا نمود.

جالب این است که در روایات اسلامی تشکیل خانواده به ساختن یک بنا تشبیه شده، آن هم بنایی محبوب نزد خدا؛ چنان که در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله می خوانیم :

ما بُنِیَ بَناءٌ فِی الإِسْلامِ اَحَبُّ اِلی اللّه مِنَ التَّزْوِیجِ؛ (۱)

بنایی در اسلام نزد خدا محبوبتر از تزویج نیست.

و نیز قابل توجّه اینکه قرآن سرچشمه آرامش و امنیّت را تشکیل زندگی صحیح خانوادگی می شمرد، در آنجا که می فرماید:

۱- وسائل الشّیعه؛ جلد ۱۴، صفحه ۳۰، حدیث ۳.

(وَمِنْ آیاتِهِ اَنْ خَلَقَ لَکُمْ مِنْ اَنْفُسِکُمْ اَزْواجاً لِتَسْکُنُوا اِلَیْها وَ جَعَلَ بَیْنَکُمْ مَوَدَّهً وَ رَحْمَهً اِنَّ فِی ذلِکَ لَایاتٍ لِقَوْمٍ یَتَفَکَّرُوْنَ)؛ (۱)

یکی از آیات و نشانه های عظمت خدا این است که همسرانی از جنس شما برای شما آفرید تا آرامش خویش را در کنار آنها پیدا کنید، و در میان شما محبّت و دوستی ورحمت قرار داد، در این نشانه های بسیاری است برای کسانی که اندیشه می کنند!

ولی متأسّفانه بسیاری از عقلا و اندیشمندان نیز به این مرحله که می رسند از اندیشه در عوامل اصلی مودّت ورحمت باز می مانند، و تمام اندیشه ها متوجّه آداب و رسوم غلط و ارزشهای موهوم و پندارهای خرافی می شود!

ارزشهای اسلامی در امر ازدواج

از دلایل عظمت تعلیمات اسلام این است که، این مسأله مهمّ زندگی را با دقّت و موشکافی عجیبی مورد بررسی قرار داده، و برای تشکیل خانواده سالم و خالی از هرگونه کژی وناراستی، از هیچ برنامه مؤثّری فروگذار ننموده است و از نخستین گام برای تشکیل خانواده، هدفهای اصلی این کار

۱- سوره روم، آیه ۲۱.

وارزشـهای والاـی حاکم بر آن را مورد توجّه قرار داده، و در برابر «ضـدّ ارزشـهایی» که گاه از سوی وسواسان خنّاس به عنوان «ارزش» در تشکیل خانواده قلمداد می شود، هشدار داده است.

این تعلیمات گاه به سـراغ صـفات زنانی که شایسـته همسـری هسـتند و بایـد به هنگام خواسـتگاری به آن توجّه داشت رفته، و چنین می گوید:

اِذا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ الْمَرْئَهَ لِجَمالِها اَوْلِمالِها وُكِّلَ اِلی ذَلِکَ وَاِذا تَزَوَّجَها لِدِینِها رَزَقَهُ الْمالَ وَالْجَمالَ؛ (۱)

هنگامی که مردی، همسـری را تنها به خاطر زیبایی وثروتش انتخاب کنـد؛ خداونـد او را به همان زیبایی و ثروت وامی گذارد (و از همه چیز محروم می شود) و هرگاه همسرش را به خاطر دیانتش انتخاب کند، خداوند مال و جمال را نیز به او می دهد.

و در حدیث دیگری از امام باقر علیه السلام چنین آمده است:

شخصـی خدمت پیامبر صـلی الله علیه و آله آمد و درباره ازدواج (وارزشـهای حاکم بر آن) با آن حضرت مشورت کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

۱- وسائل الشّیعه، جلد ۱۴، صفحه ۳۰، حدیث ۱ ؛ این حدیث با سند صحیح از امام صادق علیه السلام نقل شده است.

اِنْکَحْ وَ عَلَیْکَ بِذاتِ الدِّیْنَ تَرَبَتْ یَداکَ؛ (۱)

ازدواج کن و بر تو است که به سراغ همسری با ایمان ودیندار بروی که معیشت تو را افزایش می دهد!

و گاه از زنان زیبایی که در خانواده ای آلوده و فاقد تربیت و ایمان پرورش یافته اند و بسیاری از مردم به خاطر جمال آنها از عیب هایشان به کلّی چشم می پوشند تعبیر به سبزه ها (و گلهایی) که بر «مزبله» می روید فرموده است؛ چنان که در حدیثی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می خوانیم روزی برخاست و در میان مردم خطبه خواند (تعبیر به «قامَ خَطِیباً» که در روایت آمده دلیل بر اهمّیّت موضوع، و ابتلای قشر وسیعی از مردم به این مساله است) و فرمود:

اَیُّهَا النّاسُ اِیّاکُمْ وَ خَضْراءَ الدِّمَنِ؛

مردم از گیاهان زیبایی که بر مزبله ها می روید، پرهیز کنید!

شخصی پرسید :

ای رسول خدا!

وَ ما خَضراءُ الدِّمَنِ؟

گیاهی که به مزبله ها می روید چیست؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود :

۱- وسائل الشّیعه، جلد ۱۴، صفحه ۳۰، حدیث ۲.

اَلْمَرْئَهُ الْحَسْناءُ فِی مَنْبِتِ السُّوْءِ؛

زنِ زیبایی است که در خانواده آلوده و بدی پرورش یافته! (۱)

این برداشت از ارزشـهای حاکم بر انتخاب همسر کجا، وآنچه امروزه در میان گروهی رایـج است که از مسأله مال وجمال نیز فراتر رفته و به اموال پدر و بستگان او می اندیشند، کجا یعنی انتظار مرگ آنها را می کشند تا صاحب ثروتی شوند!

و گـاه در برابر موهوماتی که مردم از نظر طبقات اجتماعی به هنگام ازدواج مطرح می کننـد و یک جوان باایمان وپاکـدامن را به حکم آن که پـدرش مثلاـ یـک کـارگر سـاده یـا کشـاورز است، لایق همسـری دختر خود نمی داننـد، و حتّی مسایل نژادی وقبیلگی را مقدّم بر این فضایل اخلاقی می شمرند، می گوید :

مؤمنان خونهایشان مساوی، و همه در ازدواج با هم برابرند! (۲)

این در حالی است که حتّی بعـد از ظهور اسـلام و اسـتقرار آن در بخش عظیمی از جهان، باز گروهی از افراد به ظاهر مسـلمان ازدواج عرب را با غیرعرب نکوهش می کردند

۱- فروع کافی، جلد ۲، صفحه ۵.

۲- فروع کافی، جلد ۲، صفحه ۱۰.

وازدواج بنی هاشم را با غیر آنها عیب می دانستند!

لذا پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی فرمود:

اَلْمُؤْمِنُونَ بَعْضُهُمْ اَکُفّاءُ بَعْضٍ؛ (۱)

مؤمنان برابر و همانند یکدیگرند (و اختلاف قشرهای اجتماعی نمی تواندآنهارا در مسأله ازدواج از هم جدا سازد.)

ولی مگر می توان این گونه تعلیمات والای اسلامی را در جوامع کنونی، و حتّی در میان قشرهای به ظاهر متدیّن پیاده کرده، و قیدوبندهای موهومی را که برای شایستگی ازدواج دختران و پسران خود با دیگران قایلند، از زندگی آنها حذف نمود!

جالب توجّه اینکه در احادیث متعدّدی، این مضمون از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله یا ائمّه هدی علیهم السلام به چشم می خورد که می فرمایند:

اِذا جائَکُمْ مَنْ تَرْضَوْنَ خُلْقَهُ وَ دِینَه فَزَوِّجُوهُ، اِنْ لا تَفْعَلُوهُ تَکُنْ فِتْنَهٌ فِی الْاَرْضِ وَ فسادٌ کَبیرٌ؛ (۲)

هرگاه کسی که اخلاق و دین او را می پسندید به خواستگاری آید، او را به همسری دخترتان بپذیرید؛ اگر چنین نکنید

۱- وسائل الشّیعه، جلد ۱۴، صفحه ۴۹، حدیث ۷.

۲- وسائل الشّیعه، جلد ۱۴، صفحه ۵۱، حدیث ۱ و ۲ و ۳.

فتنه عظیم و فساد بزرگی در زمین خواهد افتاد!

این هشدار، ابعاد خطرناک خرافاتی را که در این زمینه بر مسأله ازدواج حاکم است روشن می سازد، و شاید بسیاری از مفاسد عظیم که امروز بر جوامع بشری حاکم است، مصداق همان باشد که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در این احادیث نسبت به آن هشدار داده اند.

اسلام گاه مسایل مهریّه و جهیزیّه و هزینه های ازدواج را به طور کلّی مورد توجّه قرار داده و با استفاده از دو مفهوم کاملا آشنا یعنی سعادت و تیره روزی، مطالب لازم را در این زمینه بازگو می کند.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم:

اَمّا الْمَرْئَهُ فُشُوْمُها غِلاءُ مَهْرِها؛ (۱)

امّا شومی و بد قدمی زن آن است که مهرش سنگین باشد!

و در حدیث دیگری آمده:

اِنَّ مِنْ بَرَکَهِ الْمَرْئَهِ قِلَّهُ مَهْرِها وَ مِنْ شُوْمِها کَثْرَهُ مَهْرِها؛ (۲)

یکی از برکات همسر، کمی مهر اوست، و از شومی او، زیادی

۱- تهذیب، جلد ۲، صفحه ۲۲۶.

۲- من لایحضره الفقیه ، جلد ۲، صفحه ۱۲۴.

مهر او!

این مسأله همچنان ادامه می یابد تا به مسأله انعقاد نطفه فرزند، و سپس تغذیه مادر در دوران بارداری، و بعد نامگذاری نوزاد، و سپس صفات زنی که به عنوان دایه انتخاب می شود که روحیّات و اخلاق خود را از طریق شیر به کودک منتقل می کند، و سرانجام به مسأله معلّم، و وظیفه پدر و مادر در برابر تعلیم و تربیت فرزند خود می رسد که هر کدام از این ها در تعلیمات اسلام جایگاه ویژه ای دارد، و دستورات روشن و قاطعی درباره آن در روایات اسلامی دیده می شود، و در همه جا روی ارزشهای انسانی تکیه شده، و مسایل تربیتی در سرلوحه برنامه قرار گرفته، و حتّی از مسایل به ظاهر کوچک غفلت نشده است.

بی بندوباری های ما در مسایل مربوط به ازدواج و تشکیل خانواده و تربیت فرزند از یکسو، و دقّت نظر اسلام در این مسایل حیاتی از سوی دیگر، ما را به یاد آن مصرع معروف می اندازد که: «ببین تفاوت ره از کجا است تا به کجا!»

کار به جایی رسیده است که مسأله مراسم ازدواج که معمولا باید چشمه جوشانی از شادی برای خانواده های دو طرف باشد، تبدیل به یک دوران مصیبت بار و غم انگیز شده؛ چرا که پشت داماد در زیر بار مهرهای سنگین، اعم از نقد

ونسیه، و هزینه های کمرشکن جشن عقد و عروسی و انواع تجمّلات و جواهرات، و پشت خانواده عروس در زیر بار سنگین جهیزیّه که چیزی جز چشم وهم چشمی و تقلیدهای کورکورانه و موهومات و خیالات، بر آن حاکم نیست، خم می شود و نزدیکان دو طرف گاه تلخ ترین ساعات عمر خود را در این جلسات به اصطلاح شادی یا مقدّمات آن می گذرانند!

چه آبروهایی که بر باد نمی رود، چه کدورتها ودشمنی هایی که به وجود نمی آید، و چه مشکلاتی که گاه تا آخر عمر سایه شوم آن بر خانواده ها افتاده است، رخ نمی دهد!

آیا روزی فرا خواهد رسید که واقعیّتهای سازنده و مفید از موهومات و خرافات در این مسأله حیاتی جدا شود و ارزشهای کاذب جای خود را به ارزشهای صحیح، بسپارد و ملّت مسلمان ما، تعلیمات اسلام را جانشین آداب و رسوم غلط و مصیبت بار کند!

ما در این نوشتار برای رسیدن به عمق تعلیمات اسلام در این زمینه، به جای بررسی مشروح آیات و روایات اسلامی، راه دیگری انتخاب کرده ایم که فکر می کنیم تأثیر آن در بیدار کردن افکار بیشتر است، و آن اینکه به سراغ یک

خانواده نمونه ای برویم که در اسـلام نظیر نداشته، و دقیقاً زیر نظر شخص پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و با اِشراف کامل او تشکیل شده است، یعنی پیوند ازدواج علی علیه السلام با بانوی اسلام، فاطمه زهرا علیها السلام تا برای مسلمانان اسوه و الگوی پرارزشی باشد.

ناصر مکارم شیرازی

۱۰/۹/۱۳۶۸

ویژگیهای خانواده نمونه

این خانواده نمونه با داشتن مشخّصات زیر، می تواند از هر جهت تابلو زنده ای از تعلیمات حیاتبخش اسلام باشد :

۱. از این نظر که هر دو سویش با نزدیکترین رابطه، به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می رسد؛ فاطمه زهرا علیها السلام دختر دلبند او، وتنها کسی است که نسل پیامبر صلی الله علیه و آله از سوی او در جهان گسترش یافته، و علی علیه السلام پسر عم و یار دیرین پیامبر صلی الله علیه و آله از نخستین روزهایی که آفتاب پر فروغ اسلام طلوع کرد، تا واپسین دقایق عمر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله.

۲. زهرا علیها السلام در اسلام تولّد یافت و علی علیه السلام ده ساله بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمان نبوّت را دریافت نمود، و این دو زوج در آغوش اسلام پرورش یافتند و با آداب اسلام بزرگ شدند.

۳. تمام مراحل خواستگاری و مراسم زفاف و تربیت فرزندان، همه زیر نظر شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و به دستور وفرمان او صورت گرفت.

بنابراین، ازدواج مزبور به تمام معنا اسلامی بود، و تمامی ارزشهای والای اسلام در آن تجلّی داشت.

هدف این است که با طرح این مسأله، همراه و همگام با خوانندگان عزیز در مراحل مختلف تشکیل این خانواده نمونه سیر کنیم، و عصاره تعالیم اسلام و مفهوم زندگی صحیح خانوادگی را در آن ببینیم، و بعد وجدان خود را حاکم کنیم و کمی بیندیشیم و ببینیم اسلام اصیل و واقعی کدام است؟ و ما چگونه ایم؟ تربیت اسلامی چه می گوید و تربیت ما مسلمانان امروز چگونه است؟

متأسّفانه گروهی از اسلام تنها به یک سلسله آداب سطحی قناعت کرده اند، و نماز و روزه و حجّی بی محتوا، و فاقد روح، و قرآنی خالی از تدبّر، و دعایی تهی از حضور قلب، وزیارتی به قصد سیاحت، انجام می دهند، بی آنکه اسلام در عمق جانشان ریشه دوانده باشد.

به راستی مسأله تشکیل خانواده و ارزشهای حاکم بر آن می تواند محک خوبی برای شناخت مسلمانان راستین، از مسلمانان سطحی باشد.

همانها که دم از حجّ و نماز و روزه می زنند، هنگام شوهر دادن دختران خود چنان برای مهریّه های میلیونی پافشاری می کنند، و حتّی برای محکم کاری و پیش بینی نرخ تورّم در آینده، مبلغ مهریّه را از پول رایج به طلای خالص ناب! تبدیل کرده، و به هنگام تعیین شیربهاء و مقدار طلا و جواهرات، چنان خونشان به جوش می آید و رگهای گردنشان ستبر می شود که گویی تمام موجودیّت آنها به خطر افتاده! آنها مرتب از شغل داماد، و مقدار ثروت او و پدرش و فامیلش، و خانه و اتومبیلش سخن می گویند، خدا را پاک فراموش کرده، و توکّل بر ذات مقدّس او را در زندگی از دست می دهند.

به سرعت از خانه ملکی داماد سؤال می کنند؛ در حالی که بسیاری از جوانان حقوق بگیر اگر تمام حقوق سی سال کارمندی خود را جمع کنند به زحمت پول یک خانه می شود!

از سوی دیگر، آنها که به سراغ دختری می روند تمام چشمشان را به فرشهای خانه، و تجمّلات و زینت آلات و میزان ارث احتمالی او در آینده، و میزان قدرت آنها در تهیّه یک مشت وسایل تجمّلی بنام جهیزیّه که گاه بعضی از آنها در تمام عمر نیز یک بار مورد نیاز قرار نمی گیرد، دوخته اند.

اینجا است که اگر جسارت نباشد (و اِنْشاءَالله نیست) انسان به یاد حدیث معروف سرور آزادگان جهان امام حسین علیه السلام می افتد که درباره گروهی از مردم فرمود :

اَلنّاسُ عَبِیدُ الدُّنْیا وَالدِّینُ لَعِقٌ عَلی اَلْسِنَتِهِمْ؛

مردم بندگان دنیایند، و دین تنها بر زبان آنها دور می زند!

یا در حدیث دیگری از رسول اللّه صلی الله علیه و آله می خوانیم که درباره گروهی می فرماید :

آنها قرآن را می خوانند در حالی که (لایَجُوزُ تَراقِیِهِمْ) از شانه های آنها بالاتر نمی رود! و به مغز و اعماق روح آنها نمی رسد. (۱)

ولی باید توجّه داشت که این گونه برخورد با حقایق قرآن و تعلیمات اسلام عواقب دردناکی دارد، و مجازات الهی را به دنبال خواهد داشت، چنان که در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می خوانیم :

مَن قَرَأَ الْقُرآنَ ثُمَّ شَرِبَ عَلَیْهِ حَراماً، اَوْ آثَرَ حُبّاً لِلدُّنْیا وَ زِیْنَتِها، اِسْتَوْجَبَ عَلَیْهِ سَخَطَ اللّهِ، اِلّا اَنْ یَتُوْبَ.

کسی که قرآن بخواند و سپس (بر خلاف دستور قرآن)

۱- اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۴۵۰، حدیث ۳. کتاب القرآن، باب ۹، ترتیل القرآنبالصّوت الحسن.

مشروب حرامی را بخورد یا محبّت دنیا و زینت آن را بر قرآن مقدّم دارد مستوجب خشم الهی خواهد بود، مگر این که توبه کند! (۱)

به هرحال، هدف این است که به خواست خدا، ازدواج حضرت علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام را به عنوان خانواده نمونه در اسلام، بهترین سرمشق در پایه گذاری زندگی خانوادگی قرار دهیم، و خدا را به حقّ آنان بخوانیم که به ما توفیق پیروی از سنّتهای حسنه ای که آنها برای ما به یادگار گذارده اند، عنایت فرماید «آمین یا ربّ العالمین».

* * *

۱- بحارالأنوار، جلد ۹۲، صفحه ۱۸۰، حدیث ۱۳.

بخش اول: خواستگاری عجیب

اشاره

نخستین گام

نخستین گام در تشکیل خانواده، خواستگاری است.

در مناطقی که ما زندگی می کنیم، و بسیاری از مناطق دیگر، خواستگاری از سوی خانواده داماد شروع می شود، ولی در بعضی از کشورهای جهان (مانند بعضی از مناطق هند) بسیار دیده می شود که خواستگاری از ناحیه خانواده عروس صورت می گیرد! آنها هستند که به سراغ خانواده داماد و انتخاب او می روند، و حتّی سعی می کنند با تعهّد جهیزیّه های سنگین، دل آنها را به دست آورند!

در بسیاری از کشورهای غربی و حتّی در بعضی از مناطق غرب زده شرق هر دو به خواستگاری یکدیگر از طریق روزنامه ها می روند، دختر و پسر مشخّصات خود را در بعضی از روزنامه ها عنوان کرده و آمادگی خود را برای

ازدواج با همسری که دارای شرایط و مشخّصاتی چنین وچنان بوده باشد، اعلام می دارند.

و عجیب نیست که مشخّصاتی که طرفین عنوان می کنند، مجموعه ای از یک سلسله ارزشهای صددرصد ظاهری ومادّی باشد مانند طول قامت، وزن بدن، رنگ مو، رنگ پوست و چشم و میزان بهره مندی از زیبایی و جمال (البتّه به تشخیص خودشان) و مسایل دیگری از قبیل علاقه به ورزش، و موسیقی و چیزهایی در این راستا؛ چرا که ارزشهای معنوی نه تنها در این گونه جوامع حاکم نیست، بلکه گاهی آنها را ضدّ ارزش یا جزء خرافات می شمرند وبه باد سخریّه می گیرند.

به تازگی نوع دیگری از خواستگاری در میان قشرهای مذهبی پیدا شده که مرکزی را برای مراجعه دختران وپسرانی که آماده ازدواج صحیح و سالم هستند، ترتیب می دهند؛ در این مراکز که افرادی مطمئن و متعّهد و آگاه بر آن نظارت دارند، پرونده های محرمانه ای برای هر یک از خواستگاران تشکیل داده، و خصوصیّات معنوی و مادّی همسر مورد نظر آنها را به صورت کلّی ثبت می کنند، وبه طبع هنگامی که تعداد افراد زیاد باشد هر کس به آسانی می تواند فرد مورد نظر خود را پیدا کند.

البتّه ضوابطی بر این گونه مراکز حاکم است که جلو سوءِ استفاده افراد ناباب و عوامل نفوذی را می گیرد، و اگر این کار به شیوه صحیح و ظریفی گسترش یابد بسیاری از مشکلات همسریابی را حل خواهد کرد؛ ولی این نوع خواستگاری نیز خالی از نقص و عیب نیست.

به هرحال، نمی توان انکار کرد که هنوز در جوامع اسلامی ارزشهایی که بر مسأله خواستگاری چه از طرف دختر، و چه از طرف پسر، حاکم است، شکل اسلامی به خود نگرفته و در اکثر موارد بر محورهای مادّی، و گاه حتّی بر محور امور موهوم و تخیّلی و دروغین و کاذب دور می زند.

کمتر کسی را می بینید که به هنگام خواستگاری دختر، به مال و ثروت پدر او، و مقدار جهیزیّه احتمالی، و طلا وجواهرات و درجه زیبایی و جمال او نیندیشد.

همچنین در مورد داماد اغلب مسأله شغل پردرآمد، مسکن ملکی، نفوذ اجتماعی پدر، اتومبیل و وسیله های نقلیّه گران قیمت و پر زرق و برق مورد توجّه قرار می گیرد.

این روزها پایه های تحصیلی نیز مطرح است، امّا اغلب منظور پایه های مدرکی است که به دنبال آن امکان اشتغال وکار مطرح می گردد، نه علم و سواد و فضل و دانش!

درعین حال نمی توان انکار کرد که هنوز هستند افرادی که

بیش از هر چیز به عفّت و نجابت و ایمان و اخلاق و حسن سلوک و ایثار و فداکاری و صفا و تقوای همسر آینده خود می اندیشند، و ارزش او را با این مسایل تعیین می کنند، ولی نمی توان تعیین کرد که چند درصد اجتماع مسلمانان امروز این چنین فکر می کنند!

□

حال به سراغ «خانواده نمونه» می رویم تا ببینیم ارزش همسر را با چه معیاری مشخّص می کنند.

در روایات متعدّدی این معنا را از قول امام صادق علیه السلام یا دیگر معصومین علیهم السلام می خوانیم:

لَوْلا اَنَّ اللّهَ خَلَقَ اَمْیرَالْمُؤْمِنینَ علیه السلام لِفاطِمَهَ علیها السلام ما کانَ لَها کُفْوٌ عَلَی الْاَرْضِ؛(۱)

اگر خداوند امیرمؤمنان علی علیه السلام را نیافریده بود، فاطمه علیها السلام همتایی برای همسری اش در تمام روی زمین نداشت!

بدیهی است این بی همتایی نه از نظر ارزشهای ظاهری ومادّی است، بلکه تنها ناظر به ارزشهای معنوی، ایمان وتقوا و تقرب به پروردگار و مقامات فوق العاده و والای انسانی است.

۱- بحارالأنوار، جلد ۴۳، صفحه ۹۷، حدیث ۶.

همین مطلب نیز از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: جبرئیل بر من نازل شد و گفت ای محمّد! خداوند جلّجلاله می فرماید :

لَوْ لَمْ اَخْلُقْ عَلِیّاً لَما کانَ لِفاطِمَهَ ابْنَتِکَ کُفْوٌ عَلَی وَجْهِ الْاَرْضِ، آدَمٌ فَمَنْ دُونَهُ؛(۱)

اگر من علی را نمی آفریدم همتایی برای همسری دخترت فاطمه در تمام روی زمین پیدا نمی شد، از آدم گرفته تا دیگران!

جالب اینکه، در صدر این حدیث پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید :

گروهی از شخصیّتهای قریش مرا در مورد خواستگاری فاطمه علیها السلام ملامت کردند، و گفتند: ما او را خواستگاری کردیم و تو ما را محروم نمودی، و او را به همسری علی درآوردی!

فرمود :

به خدا سوگند من شما را منع نکردم و من فاطمه را به همسری علی درنیاوردم، این خدا بود که شما را منع کرد و او را به همسری علی درآورد!

سپس جمله فوق را بیان فرمود.

۱- بحارالانوار، جلد ۴۳، صفحه ۹۲، حدیث ۳.

در حدیث دیگری آمده است ابوبکر و عمر هر کدام، برای خواستگاری فاطمه علیها السلام خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رفتند، و پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخ منفی به آنها داد. هنگامی که علی علیه السلام به سراغ حضرت آمد با پیشنهاد او موافقت فرمود؛ در حالی که چیزی جز یک زره برای هزینه های این کار نداشت!

هنگامی که این خبر به بانوی اسلام فاطمه علیها السلام رسید گریه کرد (از بعضی از روایات استفاده می شود، این گریه وناراحتی به خاطر این بود که جمعی از زنان مدینه فاطمه را

به خاطر همسری با مرد تهی دستی همچون علی علیه السلام سرزنش کردند و زخم زبان زدند)، پیامبر صلی الله علیه و آله از علّت گریه او سؤال فرمود، هنگامی که از جریان آگاه شد، جمله مهمّی بیان کرد که ارزشهای اسلامی را در مسأله خواستگاری و ازدواج روشن می سازد، فرمود:

وَاللّهِ لَقَدْ اَنْکَحْتُکِ اَکْثَرَهُمْ عِلْمَآ وَ اَفْضَلَهُمْ حِلْماَ وَاَوَّلَهُمْ سِلْماَ؛(۱)

به خدا سوگند کسی را به همسری تو درآوردم که از همه آنها علمش بیشتر، و حلمش برتر است، و نخستین کسی است که اسلام آورده!

۱- .بحارالانوار، جلد ۴۳، صفحه ۱۳۶ .

در حـدیث دیگری این مطلب به شـکل گسترده تری مطرح شده است. در این حدیث می خوانیم: فاطمه علیها السـلام هنگامی که سـخن بالا را شنید، شادمان و مسرور شد. پیامبر صلی الله علیه و آله در فرصتی دیگر خواست بهره افزونتری در این زمینه به او دهد، فرمود:

یا فاطِمَهُ، لِعَلِیٍّ ثَمانُ خِصالٍ: اِیْمانُهُ بِاللّهِ وَبِرَسُوْلِهِ، وَ عِلْمُهُ، وَ حِکْمَتُهُ وَ زَوْجَتُهُ وَ سِبْطاهُ اَلْحَسَنِ وَاَلْحُسَیْنِ، وَ اَمْرُهُ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهْیُهُ عَنِالْمُنْکَرِ، وَقَضاؤُهُ بِکِتابِاللّهِ؛(۱)

ای فاطمه! علی هشت فضـیلت دارد: ایمان به خدا وپیامبرش، علم و دانش، و حکمت، و همسر او، و فرزندانش حسن و حسین، و امر به معروف و نهی از منکر نمودن وداوری او به کتاب اللّه!

عقدی که در آسمانها بسته شد!

به طور قطع ازدواجی که بر پایه این گونه ارزشهای والا وبرتر بنا می شود، باید عقد آن در آسمانها خوانده شود.

لذا در روایتی آمده است که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

خداوند میان من و علی پیمان برادری برقرار ساخت،

۱- بحارالانوار، جلد ۴۳، صفحه ۹۸.

ودخترم را برای او بر فراز آسمانهای هفتگانه تزویج نمود، وملائکه مقرّبین را گواه بر آن گرفت، و او را وصیّ و جانشین من قرار داد.(۱)

دسته های گل بهشتی!

معمول است برای جشن عقد یا عروسی و پیمان جدید همسری، دسته های گل می برند.

جالب اینکه، در حدیثی می خوانیم :

جبرئیل با دسته گلی از بهشت خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد؛ دسته گل را به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله تقدیم داشت، پیامبر صلی الله علیه و آله آن را گرفت و بویید و فرمود :

این دسته گل به چه مناسبت است؟

عرض کرد :

به تمام ساکنان بهشت اعم از فرشتگان و غیر فرشتگان دستور داده شده، بهشت را بیارایند، نسیم بهشتی را مأمور ساخته که انواع عطرها و بوی خوش در فضای بهشت بپراکند، به حورالعین دستور داده سوره هایی از قرآن مجید را برخوانند، سپس منادی ندا در داده که امروز روز جشن همسری علیّ بن ابی طالب است، شما گواه باشید که من

۱- بحارالأنوار، جلد ۴۳، صفحه ۹۸.

فاطمه دختر محمّد را به همسری علیّ بن ابی طالب درآوردم...سپس منادی ندادر داد که ای فرشتگان وساکنان بهشت! به علی و فـاطمه تبریـک بگوییـد که من خود به آنهـا تبریـک گفتم، آگـاه باشـید من محبوبـترین زنـان را به محبوبترین مردان بعـد از پیامبران و مرسلین تزویج نمودم....(۱)

و در حدیث دیگری می خوانیم که امام علیّ بن موسی الرّضا علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین نقل فرمود :

ما زَوَّجْتُ فاطِمَهَ اِلّا بَعْدَ ما أَمَرَنِی اللّهُ عزَّوجَلَّ بِتَزْوِیْجِها؛(۲)

من فاطمه را به همسری علی علیه السلام درنیاوردم مگر بعد از آن زمان که خداوند به من دستور داد!

هاله حیا !

همـان طور که گفتیم امروز کـار به جـایی رسـیده که در کشورهـای «غربی» و «غرب زده» پسـران و دختران برای یافتن همسـر آینده خود در جراید به صورت «زننده» و «زشتی» آگهی می کنند، مشخّصات اعضای بدن خود و

۱- بحارالانوار، ج ۴۳، صفحه ۱۰۲ (با تلخیص).

۲- بحارالانوار، ج ۴۳، صفحه ۱۰۴.

جزئیات آن را شرح می دهند، و چیزی که در میان آنها مفهوم ندارد، پوشش زیبای حیاست.

در حالی که حیا هنوز بر خانواده های مـذهبی حاکم است وزن را در هاله زیبایی از قـداست و پاکی قرار می دهـد، و به گوهر گرانبهایی تبـدیل می کند که دارای ارزش فوق العاده ای است؛ در صورتی که نبود حیا زن را به ابتذال می کشاند و از ارزش و بهای او می کاهد.

هنـوز در میـان قشـر دین دار، معمول است که در مجـالس عقـد به هنگـام گرفتن وکـالت از دخـتر برای اجرای صـیغه ازدواج، شخص وکیل باید چند مرتبه پیشـنهاد وکالت را تکرار کند تا زن با آن موافقت نماید، آن هم با گفتن یک کلمه «بله» که تمام گوشـهای حاضـران منتظر شـنیدن آن است، و حیـا مانع می شود که عروس بسـرعت این کلمه را بگویـد، و به هنگامی که این واژه کوچک آمیخته با آن همه حیا در فضای مجلس می پیچد،غریوهلهله وشادی ازحاضران برمی خیزد.

این حیا و شرم، به زن ارزش می بخشد. حال آن را با ازدواجهای نامناسب و روزنامه ای مقایسه کنید و ارزش واعتبار هر دو را مقایسه نمایید.

جالب اینکه در روایات اسلامی آمده است که در مورد دوشیزگان شنیدن «بله» نیز لازم نیست، همان سکوت

معنادار و آمیخته با حجب و حیا که حاکی از رضایت آنها باشد، کافی است.

این الگو از بانوی بزرگ اسلام فاطمه زهرا علیها السلام بجا مانده، هنگامی که افرادی از سرشناسان مکّه و مدینه خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله به خواستگاری دخترش زهرا علیها السلام آمدند و پیشنهاد آنها را برای بانوی اسلام بازگو کرد، فاطمه علیها السلام قیافه درهم کشید، و روی برگردانید و نشان داد که ته دلش هرگز از این گونه پیشنهادها راضی نیست.

ولی هنگامی که علی علیه السلام برای خواستگاری زهرا علیها السلام خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد، پیامبر صلی الله علیه و آله خوشحال شد و فرمود : همینجا باش تا من نزد تو برگردم.

پیامبر صلی الله علیه و آله وارد منزل شد، دخترش زهرا علیها السلام برخاست، عبا از دوش پدر برگرفت، و نعلین از پای او بیرون آورد، و آب آورد و با دست خود سر و صورت پیامبر صلی الله علیه و آله و پاهای مبارکش را شستشو داد، سپس در برابرش نشست. پیامبر فرمود:

فاطمه!

بانوی اسلام علیها السلام عرض کرد :

لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ.

رسول اللّه! مطلبتان را بفرمایید.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود :

تو علیّ بن ابی طـالب را بخوبی می شناسـی، از نظر خویشاونـدی اش با ما، و فضایل و سابقه اسـلامی اش، و من از پروردگارم خواسته ام بهترین و محبوبترین خلق را نزد خودش به همسری تو برگزیند، او الآن نزد من برای خواستگاری آمده است، نظر تو چیست؟

فاطمه علیها السلام سکوت کرد و صورت برنگرداند، و هیچ نارضایتی از خود نشان نداد.

پیامبر صلی الله علیه و آله برخاست و این جمله را (با خوشحالی) فرمود :

اَللّهُ أكْبَرُ سُكُوتُها اِقْرارُها؛(۱)

خدا بزرگتر از آن است که توصیف گردد، سکوت دخترم به منزله اقرار او است!

* * *

۱- بحارالأنوار، جلد ۴۳، صفحه ۹۳.

بخش دوم: مهریه

اشاره

بحران مهریّه

برخلاف آنچه بعضـی می پندارند اسـلام اهمّیّت کمی برای مهریّه قایل است، تا آنجا که اگر زن و مردی ازدواج دایم کنند، و سخنی از مهریّه به میـان نیاورنـد، هیـچ مشـکلی ایجـاد نمی شود و ازدواجشـان صـحیح است، و بایـد برای چنین زنی مهریّه ای همانند زنان امثال او قایل شد (مهرالمثل).

افراط و تفریـط در این مسأله،ماننـد بسـیاری از مسایل دیگر، هنوز بر جامعه ما حاکم است؛ بعضـی چنان به سـراغ تعیین مهریّه های سنگین می روند که گویی تمام افتخار وارزش زن در آن خلاصه می شود و کم بودن مهریّه را دلیل بر بی شخصیّتی زن، و زیادی آن را مایه افتخار و مباهات ونشانه عظمت او می پندارند.

بسیاری از مردم چنان برای مهریّه چانه می زننـد که گویی می خواهنـد خانه و ملکی را خریـدوفروش کننـد و نه تنها به مهریّه های نسیه و در ذمّه، بلکه به مهریّه های نقدی از نوع «پول رایج» نیز قانع نیستند، چراکه با گذشت زمان کاهش پیدا می کند و ارزش آن کاسته می شود.

باید حتماً «سکّه های طلا» و «املاک ششدانگ» و مانند آن باشد.

در برابر این گروه اخیر، بعضـی (به تقلیـد اروپاییها که مهریّه ندارنـد) بطور کلّی با مهریّه مخالفنـد، و آن را بی معنا می داننـد؛ درحالی که مهریّه فلسفه هایی دارد که این گروه از آن غافل وبی خبرند.

فلسفه مهریه را در چند مورد می توان خلاصه کرد:

مهریّه یک نوع اکرام و احترام نسـبت به مقام والای زن است، و در واقع هـدیه ای است از سوی شوهر که دلیل محبّت، و نشانه جدّی بودن پیمان زناشویی است.

همه جـا معمول است که زن با خود جهیزیّه ای به خانه شوهر می برد و اغلب در تهیّه این جهیزیّه گرفتار مشـکلات می شونـد، «مهریّه نقـدی» کمکی است از سوی شوهر برای تهیّه جهیزیّه و نشـانه ای است از وفـاداری و قبول مسـئولیّت نسبت به زنـدگی آینده.

مهریّه می توانـد تا حـدّی خسارت اقتصادی زن را در صورت جـدایی جبران کند، زیرا می دانیم زنانی که از شوهر خود طلاق می گیرند شانس کمتری برای ازدواج مجدّد دارند تا مردان آنها.

مهریّه غیر نقـدی عامل بازدارنـده ای است در برابر طلاق، و شایـد به همین دلیل شارع مقـدّس اسـلام به هیچ وجه حدّ ومرزی برای آن تعیین نکرده و نوع خاصّ_ی قایـل نشـده، از اموری که تنهـا جنبه معنوی داردماننـد «تعلیم قرآن» گرفته، تـا مهریّه های فراوان مادّی را شامل می شود، چرا که شرایط مختلف اند و اشخاص متفاوت.

در عین حال در اسلام توصیه مؤکّد برای سبک کردن مهریّه شده است؛ چنانکه علی علیه السلام می فرماید :

لا تُغالُوا بِمُهُورِ النِّساءِ فَتَکُونَ عَداوَهً؛(۱)

مهریّه های زنان را گران و سنگین نکنید، چرا که سبب عداوت و کینه توزی می شود.

مرحوم شیخ صدوق در روایت مرسله ای از معصومین علیهم السلام چنین نقل می کند :

مِنْ بَرَکَهِ الْمَرأهِ قِلَّهُ مَهْرِها وَمِنْ شُومِها کَثْرَهُ

۱- وسائل الشّیعه، جلد ۱۵، صفحه ۱۱، حدیث ۱۲.

مَهْرِها؛(۱)

از برکات زن این است که مهرش کم باشد و از شوم ونامیمونی او، زیادی مهر او است.

مهریّه های سنگین در عصر ما اغلب از سه عامل سرچشمه می گیرد :

گاه از چشم و هم چشمی ها و مسابقه در این گونه مسایل است که افرادی از این طریق می خواهند به پندار خویش شخصیّت والاتری برای خود یا فرزندان خویش کسب نمایند.

گاه از غلبه روح مادّیگری و ارزشهای مادّی است که اساساً تمام تلاشهای گروهی برای رسیدن به آن است، و از آنجا که مهریّه زیاد در کوتاه مدّت یا درازمدّت درآمد بیشتری را همراه دارد، آن را ترجیح می دهند.

و بالاخره گاهی از عدم اعتماد متقابل میان دو همسر یا خانواده های آنها سرچشمه می گیرد، زیرا از این بیم دارند که زندگانی مشترک آن دو، دوام پیدا نکند، و می خواهند این مهریّه سنگین مانعی بر سر راه جدایی گردد، و یا در فرض جدایی، کمکی به زن در مشکلات ناشی از آن نماید.

۱- وسائل الشیعه، صفحه ۱۰، حدیث ۸.

روشن است که اگر سه عامل فوق از بین برود، چشم وهم چشمی ها و رقابتها در میان نباشد، و نخواهند به وسیله ازدواج، تجارت کنند، و به زندگی مشترک آینده در سایه ایمان و تقوا امیدوار باشند، دلیلی ندارد که به دنبال این گونه مهرهای کمرشکن بروند.

مهر «بانوی اسلام»

اکنون به سراغ «خانواده نمونه» برویم تا از آن الگو بگیریم و در پرتو هدایتش راه و رسم زندگی توأم با خوشبختی را پیدا کنیم، و مهریّه اسلامی را از غیر اسلامی باز شناسیم.

در حدیث آمده است که تمام مهریّه بانوی اسلام، فاطمه زهرا علیها السلام و هزینه های جهیزیّه و عطریات او از پول زرهی تأمین شد که علی علیه السلام برای جنگ خریده بود.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

زره خود را بفروش، علی علیه السلام می گوید زره را فروختم و پول آن را در دامان مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله ریختم، بی آن که از من سؤال کند چه مقدار است، و یا من خبر دهم، دست کرد ومشتی از آن را گرفت و به بلال داد و فرمود :

با این برای فاطمه عطر و بوی خوش بخر.

باز دست کرد و یک مشت دیگر به جمعی از اصحاب داد

وفرمود برای فاطمه آنچه نیاز دارد، از لباس و اثاثیه منزل تهیّه کنید.(۱)

در حدیث دیگری آمده است که صداق و مهریّه فاطمه علیها السلام، زرهی از آهن بود....(۲)

ولی در حدیثی آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله، دخترش فاطمه علیها السلام را به هنگام تزویج با علی علیه السلام به چهارصد و هشتاد درهم مهر نمود.

و در حدیثی پانصد درهم آمده است.(۳)

در حدیث دیگری آمده، هنگامی که سخن از کمی این مهریّه به میان آمد رسول اللّه صلی الله علیه و آله به بانوی اسلام فرمود:

من تو را به علی تزویج نکردم، بلکه خدا تو را به علی تزویج فرموده، و مهر تو را یک پنجم تمام دنیا تا زمانی که آسمان و زمین برپاست، قرار داده است! (وَ جَعَلَ مَهْرَکِ خُمْسَ الدُّنْیا مادامَتِ السَّمواتُ والْاَرْضُ).(۴)

این مهریّه عظیم معنوی و الهی پاداش آن گذشتی است که زهرا علیها السلام از خود نشان داد؛ حتّی در حدیثی که در

۱- بحارالانوار، جلد ۴۳، صفحه ۹۴.

۲- بحارالانوار، جلد ۴۳، صفحه ۱۰۴ .

۳- بحارالانوار، ج ۴۳، صفحه ۱۲۲.

۴- بحارالانوار، ج ۴۳، صفحه ۱۴۴.

«مصباح الانوار» آمده است می خوانیم که پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود:

اِنَّ اللّهَ عَزَّوَجلَّ زَوَّجَکَ فاطِمَهَ وَ جَعَلَ صَداقَهَا الاْرْضَ فَمَنْ مَشی عَلَیْها مُبْغِضاً لَکَ مَشی عَلَیْها حَراماً؛(۱)

خداوند فاطمه را به همسری تو درآورد، و مهر او را تمام زمین قرار داد، کسی که بر روی آن راه رود در حالی که دشمن تو باشد، قدم به حرام برداشته است (و استفاده از زمین و آنچه بر آن است حرامش باد)!

معمولاـ نزدیکان داماد نسبت به اموال خانواده عروس کنجکاو و حسّاسند، همچنین اقوام عروس نسبت به ثروت داماد؛ و لذا اغلب به جای تحقیق در ارزشهای معنوی وکمالات انسانی و فضایل اخلاقی طرفین، جستجو از ثروتهای موجود یا بالقوّه یکدیگر می کنند، و آن را به رخ هم می کشند.

از پست و مقامهای بستگان عروس و داماد سخن می گویند که پدرش چه کاره است و پسر عمویش چه کاره، وپسر پسر عمویش یا نوه دایی اش چه پست و مقامی دارد!

۱- بحارالانوار، جلد ۴۳، صفحه ۱۴۵ .

ولی در حدیث می خوانیم هنگامی که علی علیه السلام به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله برای خواستگاری فاطمه علیها السلام آمد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود :

چه چیز صداق و مهریّه قرار خواهی داد؟

عرض کرد :

شمشیر و اسب و زره و شتری را که با آن آبیاری می کنم (یعنی تمام دارایی ام).

فرمود :

«شتر» و «شمشیر» و «اسب» مورد نیاز تو است و بدون آن نمی توانی با دشمن جهاد کنی، اما زرهت مانعی ندارد!

اینجا بود که علی علیه السلام رفت و زره را فروخت و پول آن را در دامان پیامبر صلی الله علیه و آله ریخت...

* * *

بخش سوم: جهیزیه

اشاره

مسأله بغرنج جهیزیّه

هر کسی فلسفه جهیزیّه را درک می کند.

دو همسر که می خواهند زندگی مشترک جدیدی را آغاز کنند باید حدّاقلّ وسایل زندگی داخلی را دارا باشند، وگرنه مجبورند سربار پدر و مادر گردند که این موضوع هم مایه ناراحتی آنهاست، و هم استقلال زوجین را از بین می برد.

لذا همه جا معمول است که بستگان عروس، لوازم اوّلیّه زندگی را همراه او به خانه داماد می فرستد، و در مقابل، داماد هزینه های دیگر عروسی، و حتّی بخشی از هزینه های جهیزیّه را (از طریق پرداختن مهریّه نقدی) پذیرا می گردد، وبا این همکاری و همیاری مشکلات حل می شود.

ولی بیشتر مردم این حقیقت را فراموش می کنند که صلاح و مصلحت دو همسر آن است که زندگی را از جای

ساده ای شروع کنند و اگر می خواهند توسعه دهند، این کار را به تدریج انجام دهند؛ چرا که کشیدن بار چنین زندگی آسانتر است، وروح محبّت و دوستی و صفا و معنویّت در چنین زندگی ساده ای موج می زند، و ارزشهای والای اخلاقی در زیر آوارهای جهیزیّه سنگین دفن نمی شود.

ولی ما در جامعه شاهد آن هستیم که چگونه رقابتها وچشم هم چشمی ها، تجمّل پرستیها و خرافات و موهومات در این مسأله ساده نفوذ کرده است! گاه از سالیان دراز، هَمّ وغمّ پدر و مادر دختر تهیّه جهیزیّه است، حتّی از خوراک روز، و شام شب، باید بکاهند، تا یک جهیزیّه سنگین را تهیّه کنند، و به اصطلاح آبروی خود را حفظ کرده، و به پندار خود دخترشان را سربلند سازند!

در بسیاری از نقاط هنگام فرستادن جهیزیّه، طی یک نمایش مسخره و خنده دار قافله حاملان جهیزیّه با یک دنیا سروصدا به راه می افتد، چنان جار و جنجالی برپا می کنند که نه تنها همسایگان، بلکه تمام محل، و گاهی همه شهر با خبر شوند که فلان کس فلان مقدار جهیزیّه را برای دختر خود به خانه داماد فرستاده است، و این مایه فخر و مباهات آنها است!

در بعضی از مناطق هنگامی که قافله حمل جهیزیّه کار

خود را تمـام کرد، آنها را در اطاق یا اطاقهای متعـدّدی در کنار هم می چیننـد، و به صورت موزه های تماشایی درمی آورنـد، واز فامیل و دوستان دعوت می کنند که به تماشای این موزه بیایند!

چه عادت شوم و زشت و رسم ناپسندی!

بدیهی است اگر جهیزیّه از نظر کیفیّت و کمیّت در سطح پایین باشد، عرق شرمساری بر چهره عروس و نزدیکان او می نشیند، و بگومگوها شـروع می شود، یکی طنز می گوید، دیگری پشت چشم نازک کرده و با نیشـخند می گوید : انشاءاللّه مبارکشان باشد! دیگری از روی ترحّم می گوید : اینها مهم نیست مهم آن است که یکدیگر را دوست بدارند!

و اگر زیاد باشد، باد به غبغب انداخته، به شرح گسترده ای درباره تهیّه هر یک از قسمتهای آن پرداخته، و زحماتی را که برای تهیّه آن از بازارها به قیمتهای گزاف، از سـفر مکّه وزیارت سوریه، از فروشگاههای درجه اوّل و منحصر به فرد کشیده اند، می پردازند.

کسـی نیست از این افراد بپرسـد اگر جهیزیّه برای زنـدگی خصوصـی عروس و دامـاد تهیّه شـده، نمـایش آن برای دیگران چه معنایی دارد! هدف از این نمایش مضحک و بی معنا چیست!

مگر ما هر وقت وسایلی برای خانه خود می خریم دیگران را دعوت برای تماشا می کنیم!

متأسفانه گاه بگومگوها و گله های مربوط به آن، سالها در میان فامیل باقی می ماند و آثار شوم و سوءِ آن در روحیّه عروس و داماد، شَهْد شیرین زندگی را در کام آنها تلخ می سازد.

در حالی که می دانیم فلسفه جهیزیّه، آغاز یک زندگی ساده و آبرومند و توأم با خوشبختی و شادکامی است، نه مسابقه های زشت و نمایشهای مسخره و شرم آور.

از همه بدتر این که، در چنان مجلسی به سرعت مقایسه ها شروع می شود و جهیزیّه این دختر و آن دختر را با هم می سنجند، در نتیجه این مقایسه آتش کینه و حسد و عداوت را در دل گروهی از حاضران می افروزد، و مفاسد دیگری را به دنبال دارد، چراکه همیشه کارِ بد، زنجیروار کارهای بد دیگری را سبب می شود.

جهیزیّه دختر گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله

حال به سراغ «خانواده نمونه» برویم و جهیزیّه ازدواج برترین زنان جهان با برگزیده ترین مردان تاریخ بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را مورد توجّه قرار دهیم و از آن الهام بگیریم.

در بحثهـای گذشـته خوانـدیم که تمـام سـرمایه مولای متّقیان علیه السـلام برای مراسم ازدواج تنها پول زرهی بود که به فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله آن را فروخت و از آن «عطریات» و «لباس» و «جهیزیّه» حضرت زهرا علیها السلام تهیّه شد.

قیمت این زره به روایتی، سی درهم، و به روایات دیگر ۴۸۰ یا ۵۰۰ درهم بود(۱) و با توجّه به این که «درهم» تقریباً

نیم مثقال نقره مسـکوک است، مجموع قیمت زره و بهای تمام وسایلی را که به عنوان جهیزیّه تهیه کردنـد، به آسانی می توان محاسبه نمود.

از روایـتی اسـتفاده می شود که تنهـا یـک سوم قیمت زره برای جهیزیّه مصـرف شـد، و از آن بخوبی برمی آیـد که تـا چه حد وسایل زندگی جدید این دو زوج خوشبخت جهان بشریّت ساده وبی آلایش ودورازهرگونه تشریفات بوده است.

صورت جهیزیّه بـانوی اسـلام علیهـا السـلام و به اصـطلاح ریز اقلاـم آن را نیز مورّخان در تاریـخ های خود ثبت کرده انـد که مطالعه آن، انسان را با عالَمی از صفا و زهد و وارستگی عجیب روبه رومی سازد،که عظمت وشکوه بی نظیروخیره کننده اش

۱- مرحوم علّـامه مجلسـی در «بحارالاـنوار» می گویـد: ممکن است قیمت واقعی آنهمان ۳۰ درهم بوده، ولی بعضـی از علاـقه مندان، آن را به مبلغ زیادتری خریدهباشند.

هر انسان آزاده ای را به خضوع در برابر آن وامی دارد.

صورت جهیزیّه ای که یاران پیامبر صلی الله علیه و آله با آن وجه مختصر برای یگانه دختر پیامبر صلی الله علیه و آله تهیّه کردند به این ترتیب بود :

- یک فرش مصری که داخل آن پشم بود.

- یک سفره چرمی.

- یک متّکای چرمی که داخل آن لیف درخت خرما بود.

- یک عبای خیبری.

- یک مشک آب.

- چند کوزه.

- چند ظرف و کاسه سفالین.

- یک ظرف برای آب و آب کشی (مطهره).

- یک پرده نازک پشمی.

این بود مجموعه جهیزیّه زهرا علیها السلام طبق روایت.(۱)

هنگامی که وسایل فوق را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آوردند نگاهی به آن کرد و گریست، سپس سر به سوی آسمان بلند کرد ودعای عجیبی کرد و گفت :

اَللّهُمَّ بارِکْ لِقَوْمٍ جُلُّ آنِیَتِهِمُ الْخَزَفُ؛(۲)

خداوندا به قومی که غالب ظروف آنها سفالین است، مبارک

۱- بحارالانوار، جلد ۴۳، صفحه ۱۳۰.

۲- بحارالانوار، جلد ۴۳، صفحه ۱۳۰.

گردان!

دقّت در اقلام این جهیزیّه عجیب و تاریخی، و دعایی که پیامبر صلی الله علیه و آله به دنبال آن فرمود، چیزهای بسیاری به انسان می آموزد. عظمت و شکوهی که در این جهیزیّه ساده نهفته است، و پیام و الهامی که به فرزندان اسلام در تمام قرن ها می دهد، غیرقابل توصیف است.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله با این کار می خواهد درس بزرگی برای تمام اعصار و برای تمام نسلها به یادگار بگذارد، و نشان دهد که اسلام بر محور تجمّل پرستی و رقابتهای کمرشکن مادّی که مایه سختی کار ازدواج، و به تأخیر افتادن برنامه جوانان، وآلودگی اجتماع مسلمین می گردد، نیست. اساس و پایه کار، همه جا بر سهولت و سادگی، و وارستگی و آزادگی و صفا و صمیمیّت استوار است.

آنچه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به عنوان نمونه و سرمشق نشان داد نه تنها در مقیاس امروز ساده و بی تکلّف بود، بلکه در اجتماع آن زمان نیز بسیار ساده تلقّی می شد، تا آنجا که دنیاپرستان آن عصر که هنوز رسوبات «ارزشهای جاهلی» در اعماق روح و جان تاریکشان بود، زهرای عزیز را بر این زندگی ساده شوهرش سرزنش کردند، و جوابی با آن عظمت را از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیدند که قبلا ذکر کردیم.

اینها همه هشداری است به آنها که نه تنها روی قلم به قلم وسایل تجمّلی جهیزیّه که گاه بسیاری از آنها در تمام طول عمر هم یک بار مورد استفاده قرار نمی گیرد، اصرار دارند، بلکه حتّی روی مارکهای مختلف داخلی یا خارجی و رنگ ونقش و نگار آنها نیز حسّاسیت آمیخته با وسواس نشان می دهند؛ آری هشداری است به همه آنها!

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با امکاناتی که در آن زمان داشت، می توانست وسایلی بسیار بهتر و با ارزشتر از آنچه گفتیم برای تنها دخترش زهرا علیها السلام و تنها یادگار همسر محبوبش خدیجه، و تنها یار و یاور همیشگی اش علی علیه السلام فراهم سازد، ولی به عمد این کار را نکرد، که اگر می کرد دستور جاویدان: (لَقَدْ كانَ لَكُمْ فى رَسُولِ اللّهِ اُسْوَةٌ حَسَنَةٌ) ارزش خود را از دست می داد.

جالب این که، گروهی از مسلمانان، این سخنان را می شنوند، و بی خیال از کنار آن بسادگی می گذرند، و گاه اسم این بی اعتنایی را ضرورتهای عصر و زمان می گذارند، ضرورتی که آبرو و حیثّیت آنها در گرو آن است!

در حالی که ضرورت بودن آن، «بهانه» یا «خیال» و«توهّمی» بیش نیست، مانند همه خیالها و پندارها در صحنه زندگی که:

از خیالی صلحشان و جنگشان

وز خیالی نامشان و ننگشان

و از همه مضحکتر این که، گاه برای تیمّن و تبرّک در کنار مهریّه های سنگین چند میلیونی، مهریّه پانصد درهمی حضرت زهرا علیها السلام را نیز ضمیمه می کنند! یا بعضی از قلمهای جهیزیّه آن حضرت را برای تأسّی به آن بزرگوار در کنار اجناس لوکس و وسایل پر زرق و برق و گرانقیمت خود قرار می دهند.

این درست به آن می ماند که در کنار سفره ای که انواع غذاهای رنگین داخلی و خارجی، و سنّتی و مد روز، در آن جمع است، مقداری نان جو و نمک هم قرار دهیم که این خوراک مولای متّقیان و پیشوای آزادگان جهان، علی علیه السلام است و ما شیعیان و پیروان مکتب او هستیم! چقدر این کار سطحی و شرم آور است!

من معتقدم بیرون آوردن بسیاری از پدران و مادران تجمّل پرست متعصّب از زیر آوار تقلیدها و آداب و رسوم غلط و خرافی کار آسانی نیست. جوانان، اعم از دختران وپسران که روح بی آلایش تری دارند برای سنّت شکنی، ودرهم کوبیدن آداب و رسوم غلط آماده ترند، آنها باید بپاخیزند و اجازه ندهند سرنوشتشان بازیچه دست این

سنّتهای زشت، و رقابتها و چشم و همچشمی های ویرانگر بزرگترها شود، و صفا و صمیمیّت همسرانشان در آتش این رسوم غلط و غیر منطقی بسوزد.

آنها باید حاکم بر سرنوشت خود شوند، و دستهای معمارانی را که سنگ اوّل زیربنای زندگی آنها را از اوّل کج می نهند، و بعد از آن تا گنبد دوّار کج می رود، از این مسأله حیاتی کوتاه کنند، و در حرف و عمل ثابت نمایند طرفدار مهریّه های معقول، جهیزیّه های ساده، و مراسم ازدواج بی تکلّف و آمیخته با صمیمیّت و صفای اسلام هستند.

پسران جوان باید ثابت کنند رهروان مخلص راه امیرمؤمنان علیّ مرتضی علیه السلام می باشند.

دختران جوان نیز باید ثابت کنند از زندگی زهرای مرضیّه علیها السلام بزرگترین شخصیت زن در جهان بشریّت الگو می گیرند، و به وسوسه های این و آن دل نسپرده، و به دشمنی های در لباس خیرخواهی، توجّهی نمی کنند؛ و من به تأثیر این سخنان در جوانان بسیار امیدوارم.

* * *

بخش چهارم: خطبه عقد

اشاره

مراسم خطبه عقد

این مراسم نیز اغلب بـا تشـریفات زیـادی همراه است، و گـاه آمیخته بـا انواع گناهـان می باشـد، ولی در مقایسه با مراسم شـب زفاف (جشن عروسی) ساده تر است.

در این مراسم قسـمتهای جالبی دیـده می شود که یا پیروی از یک سنّت اسـلامی است، مانند خواندن خطبه ای که مشـتمل بر آیـات قرآن و روایـات معصـومین علیهـم السـلام دربـاره اهمّیت ازدواج برای جوانـان و ارزشـهای حـاکم بر آن است و وظیفه بزرگسالان را در برابر این امر حیـاتی روشن می سـازد؛ یـا تبعیّت از یـک سنّت حسـنه است،ماننـد نشسـتن عروس بر سـجّاده (جانمـاز) رو به قبله، در حضور قرآن که نشـانه ایمان وتقوای الهی است، و در برابر آیینه و شـمعدان که سـمبل صـفا وپاکی و روشنی است؛ و یک سلسله کارهای ساده

سمبلیک دیگر که شاید خوانندگان از نویسنده نسبت به آن آشناترند، اینها همه در جای خود خوب است و جالب.

ولی متأسفانه مصیبت از آنجا شروع می شود که دعوت شوندگان، چنان مسابقه ای با هم در لباسهای تجمّلی وآرایشهای جلف و زننده، و آویختن انواع زینت آلات به خود می دهند که گاه عروس در میان آنها گم می شود! وطبیعی است که در چنین جلسه شومی همه در اندیشه خودآرایی و خودنمایی هستند.

وای بر آن وقتی که پای مردان نیز به بهانه های مختلف به این مجلس باز شود و اختلاط برقرار شود، و فیلمبرداران وعکّاسان از این مراسم که یکپارچه گناه و معصیت ونافرمانی خداست عکس و فیلم بردارند، و به گناهان خود رنگ جاودانگی بزنند!

□

چه بهتر که شرح این فجایع را رها کنیم و به سراغ خانواده نمونه ای برویم که به راستی آنچه خوبان همه دارند آنها به تنهایی دارند.

از خطبه های عقد بانوی اسلام فاطمه زهرا علیها السلام شروع می کنیم:

خطبه ای که خدا خواند؛ خطبه ای که رسول الله صلی الله علیه و آله

خواند؛ و خطبه ای که علی علیه السلام خواند که همه معنادار وآموزنده است :

در خطبه الهی آمده است:

اَلْحَمْدُ رِدائی وَ الْعَظَمَهُ کِبْرِیائِی وَ الْخَلْقُ کُلُّهُمْ عَبِیدِی وَ اِمائِی، زَوَّجْتُ فاطِمَهَ اَمَتِی مِنْ عَلِیٍّ صَفْوَتِی، اِشْهَدُوا مَلائِکَتِی؛

حمد شایسته من است و عظمت به من می برازد، و تمام خلق، بندگان و کنیزان من هستند، من کنیزم «فاطمه» را به همسری «علی» درآوردم، ای فرشتگان من، همه گواه باشید!

جمله های آغاز این خطبه، بینی مستکبران و خود برتربینان را به خاک می مالد، و عظمت و بزرگی را مخصوص خدا می شمرد، و جمله های بعد، آخرین حدّ انسان را بندگی خدا می شمرد.

سپس افتخار بزرگ فاطمه علیها السلام را همین مقام بندگی حق، وافتخار علی علیه السلام را برگزیده خدا از میان بندگان بودن، معرفی می کند.

بعد خداوند با ولایت مطلقه اش عقد همسری این دو وجود پر جود عالم بشریّت را می بندد، و تمامی فرشتگان مقرّب را گواه بر آن می گیرد، تا سرمشقی برای همگان باشد.

دومین خطبه از آنِ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که طبق روایات چهل روز بعد از آن اجرا شد (این فاصله اربعین، خواه برای مراعات جانب ادب باشد یا رمز تکامل، در هر حال پرمعناست).

خطبه به این شرح بود :

اَلْحَمْدُلِلّهِ الْمَحْمُودِ بِنِعْمَتِهِ، اَلْمَعْبُودِ بِقُدْرَتِهِ، اَلْمُطاعِ فِی سُلْطانِهِ، اَلْمَرْهُوْبِ مِنْ عَذابِهِ، اَلْمَرْغُوبِ اِلَیْهِ فِیْما عِنْدَهُ، اَلنّافِذِ اَمْرُهُ فِی اَرْضِهِ وَ سَمائِهِ، اَلَّذِی خَلَقَ الْخَلْقَ بِقُدْرَتِهِ وَ مَیَّزَهُمْ بِاَحْکامِهِ، وَ اَعَزَّهُمْ بِدِینِهِ وَ اَکْرَمَهُمْ بِنَبِیِّهِ مُحَمَّدٍ - ثُمَّ اِنَّ اللّهَ جَعَلَ الْمُصاهَرَهَ نَسَباً لاحِقاً، وَاَمْراً مُفْتَرَضاً، وَ شَجَّ بِهَا الاَرْحامَ وَ اَلْزَمَهَا الاَنامَ، فَقالَ تَبارَکَ اسْمُهُ وَ تَعالَی جَدُّهُ: وَ هُوَ الَّذِی خَلَقَ مِنَ الْماءِ بَشَراً فَجَعَلَهُ نَسَباً وَصِهْراً وَ کانَ رَبُّکَ قَدِیراً...

ثُمَّ اِنِّی اُشْهِدُکُمْ اَنِّی قَدْ زَوَّجْتُ فاطِمَهَ مِنْ عَلِیٍّ عَلی اَرْبَعْمِأَهِ مِثْقالِ فِضَّهٍ...

حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که به خاطر نعمتهایش شایسته حمد است، و به خاطر قدرتش در خور عبودیّت، و به خاطر سلطه و حاکمیّتش سزاوار اطاعت، خدایی که عذابش موجب وحشت، و پاداشهایش مایه

رغبت، و حکمش در آسـمان و زمین نافذ است، خدایی که خلق را با قدرتش آفرید، و آنها را با احکامش از هم جدا نمود، با دینش آنان را عِزّت بخشید، و با پیامبرش محمّد گرامی داشت.

سپس خداونـد پیمان زناشویی را همردیف خویشاونـدی نسبی قرار داد و تاروپود آن دو را درهم آمیخت، و بر بندگان واجب شمرد، و در همین زمینه خداونـد متعـال می فرمایـد: او کسـی است که انسـان را از آب آفریـد و (گسترش نسل) او را از طریق نسب و زناشوئی قرار داد و پروردگار تو توانا است...

سپس من، شما (یارانم) را گواه می گیرم که دخترم فاطمه را با مهریّه ای برابر ۴۰۰ مثقال نقره به همسری علی درآوردم.(۱)

در این خطبه نیز ضـمن برشمردن نکات دقیق و ظریفی از معارف توحیدی و اوصاف جمال و جلال و افعال خدا که پایه اصلی اعتماد خانواده را تشکیل می دهد، و اشاره به آفرینش عجیب انسان از آب (نطفه) و گسترش نسل او از طریق نسب و زناشویی می کند، به اهمّیّت مسأله ازدواج

۱- بحارالانوار، جلد ۴۲، صفحه ۱۱۹ - تعبیر به ۴۰۰ مثقال نقره که در این روایتآمـده شاذ است و ممکن است از اشـتباه روات باشد وگرنه معروف ۵۰۰ درهم است واین غیر از مهر نقدی است که از پول زره پرداخته شد.

پرداخته و آن را به عنوان وسیله ای برای بقای نوع بشر فرض و واجب می شمرد، سپس به اجرای عقد بزرگ بانوی اسلام برای بزرگمرد جهان انسانیّت می پردازد.

و بالاخره در خطبه فصیح و بلیغ خود امیرمؤمنان علی علیه السلام چنین می خوانیم: که پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود برای خودت خطبه بخوان، علی علیه السلام عرضه داشت:

اَلْحَمْدُلِلّهِ الَّذِی قَرُبَ مِنْ حامِدِیهِ وَ دَنا مِنْ سائِلِیهِ، وَ وَعَدَ الْجَنَّهَ مَنْ یَتَّقِیْهِ، وَاَنْذَرَ بِالنّارِ مَنْ یَعْصِیْهِ، نَحْمَدُهُ عَلی قَدِیم اِحْسانِهِ وَاَیادِیْهِ، حَمْدَ مَنْ یَعْلَمُ اَنَّهُ خالِقَهُ وَبارِیْهِ، وَمُمِیْتَهُ وَمُحْیِیْهِ، وَمُسائِلَهُ عَنْ مُساوِیْهِ، وَنَسْتَعِینُهُ وَنَسْتَهْدِیهِ، وَنُؤْمِنُ بِهِ وَنَسْتَکْفِیه، نَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلّا اللّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ شَهادَهً تَبْلُغُهُ وَ تُرْضِیْهِ، وَ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُوْلُهُ صَلوهً تُزْلِفُهُ وَ تُحْظِیهِ، وَ تَرْفَعُهُ وَ تَصْطَفِیهِ، وَالنِّکاحُ مِمّا اَمَرَ اللّهُ بِهِ وَیُرْضِیهِ، وَآجْتِماعُنا مِمّا قَدَّرَهُ اللّهُ وَاَذِنَ فِیْهِ، وَهذا رَسُولُ اللّهِ زَوَّجَنِی اِبْنَتَهُ فاطِمَهَ عَلَی خَمْسَ مِأَهَ دِرْهمٍ وَ قَدْ رَضِیتُ فَاسْأَلُوهُ وَاشْهَدُوا(۱)

۱- بحارالانوار، ج ۴۳، صفحه ۱۱۲.

ستایش ویژه خداوندی است که نسبت به ستایش کنندگانش نزدیک و به درخواست کنندگانش قریب است، به پرهیزگاران بهشت و به گهنکاران دوزخ، وعده داده است.

من او را بر احسان قدیم و انواع نعمت هایش حمد می گویم، حمد کسی که او را خالق و آفریدگار خود می داند، و میراننده و زنده کننده خود می شناسد، و یقین دارد او را در برابر اعمال بدش موأخذه می کند.

من از او یاری می طلبم و هدایت می جویم و به او ایمان می آورم و از او کفایت امورم را می خواهم.

و شهادت می دهیم هیچ معبودی جز خداوند یکتا نیست، یگانه است و شریک ندارد، شهادتی که به ساحت قدسش می رسد، و او را راضی می کند، و نیز گواهی می دهیم که محمّد بنده و فرستاده او است، و به او درود می فرستیم که وی را به خدا نزدیکتر و از لطفش بهره مندتر، و مقامش را والاتر و برگزیده تر سازد.

(امّا بعد) ازدواج از اموری است که خدا به آن امر کرده، و مایه خوشنودی او است، و ازدواج ما از اموری است که خدا آن را مقدّر فرموده، و اجازه داده، این رسول خدا است که دخترش فاطمه را به مهریّه ای به مقدار پانصد درهم به همسری من درآورده است و من به این امر راضی شده ام از او (این مطلب را) جویا شوید و (بر آن) گواهی دهید.

بخش پنجم: جشن عروسی

اشاره

مراسم عروسی

یکی از آرزوهـای بسـیاری از پـدران و مـادران آن است که زنـده بماننـد و مراسم زفـاف فرزنـدان خود را ببیننـد، که در واقع دیدنی هم است، به شرط آنکه با ندانم کاریها و اعمال بی رویّه خود، آن شب شادمانی را به عزا مبدّل نکنند.

این مراسم در اسلام نیز وجود دارد و به عنوان «ولیمه» زفاف در اخبار و احادیث آمده است.(۱)

هر کس می تواند با اندکی اندیشه و تأمّل، فلسفه آن را نیز درک کند، زیرا :

اوّلا، این مراسم با حضور سرشـناسان فامیل و دوستان وآشنایان انجام می گیرد و به زندگی مشترک جدید زوجین رسمیّت می بخشد، و آنها را به قبول مسئولیّت در برابر آن

۱- وسائل الشّیعه، جلد ۱۴، باب ۴۰ - از ابواب مقدّمات النّکاح.

وادار می سازد، چرا که اگر در خفا و بـدون هیچگونه مراسـمی انجام می شد، هر دو طرف ممکن بود به آسانی تعهّدات خود را زیرپا بگذارند، و با برخورد با اوّلین مشکلات در زندگی جدید، راه جدایی را در پیش گیرند!

ولی کـاری که بـا آن همه سـروصدا و در حضور آن جمع سرشـناس و آشـنا انجـام می گیرد چیز ساده ای نیست که به آسانی بتواننـد از آن چشم بپوشـند، یا به صورت یک مطلب خصوصـی و کوچک با آن برخورد کنند؛ بنابراین، مراسم فوق در درجه اول به عقد زناشویی استحکام می بخشد، و به آن رسمیّت و عینیّت می دهد.

ثانیاً، وقتی پایه شـروع زنـدگی جدیـد بر شادمانی و سـرور گذارده شود، خاطره خوبی که از آن در ذهن طرفین باقی می ماند سبب می شـود که آن را به عنـوان یـک حـادثه مسـرّت بخش و سـرورآفرین در تمـام طـول عمر، بداننـد، وبه طـبع بسـیاری از مشکلات را به خاطر آن تحمّل کنند، و با خوشبینی به مسایل مربوط به آینده بنگرند.

ثالثاً، این مراسم، آشـنایان و بسـتگان را نیز دعوت می کند که با شـرکت در آن، خود را در حلّ مشـکلات خانواده جدید، در حال و آینده شریک و سهیم بدانند، و با توجّه به این که تشکیل زندگی مشترک به هر حال مشکلاتی دارد

سهیم شدن آنان در حلّ آنها بسیار مفید و با ارزش خواهد بود و فواید مهمّ دیگری که بر این کار مترتب است.

ولی مشکل از زمانی شروع می شود که این مراسم مفید و با ارزش و شادی آفرین، با تجمّل پرستی، و انواع هوا و هوسها، و ولخرجیها و بی بند و باریها و اسراف و تبذیرها، وانواع گناهان آلوده شود، و در اینجا نتیجه به طور کامل معکوس خواهد شد.

شبی غم انگیز، با هزینه هایی کمرشکن، و خاطره ای تلخ ودردناک خواهد بود.

شبی با انواع آلودگیها و مفاسدی که خداوند بزرگ را به خشم می آورد.

و بالاخره شبی که آثار سوءِ آن نه تنها در روح دو زوج جوان، بلکه در اطرافیان و بستگان آنها تا سالیان دراز باقی می ماند.

آنچه در این زمینه می گوییم مطالبی است که از دور شنیده ایم، و به طور قطع آنها که از نزدیک دیده اند به عمق این فجایع آشناترند چرا که «شنیدن کی بود مانند دیدن!»

شب زفاف در خانواده های تجمّل پرست نه تنها مصیبتی است برای پدر و مادر و عروس و داماد، بلکه شب بسیار پر زحمتی است برای تمام دعوت شدگان، چرا که شب مسابقه

تجمّل و خودآرایی، و شب به رخ کشیدن لباسهای گران قیمت و جواهرات رنگارنگ به یکدیگر است.

بسیاری از زنان آنها، از هفته ها و ماهها قبل خود را برای نمایش ثروت در آن شب آماده می کنند، و لباسهای تازه وجواهرات نوین سفارش می دهند.

بسیاری از بزرگترها چنان خودآرایی می کنند که گویی فراموش کرده اند عروس، دختر آنها است نه خود آنها!

و از آنجا که در میدان مسابقه، هر کس تلاش می کند از رقبا عقب نیفتد باید هر کدام هزینه زیاد و رنج طاقت فرسایی را متحمّل شوند، و چه بسا همین مسایل باعث اختلافاتی میان آنها و شوهرانشان می شود که چرا در این زمینه ولخرجی لازم را نکرده اند، تا از رقیبان عقب نمانند؛ و آبرویشان در میان جمع نرود!

حال فکر کنید اگر در این جلسات زنان و مردان با هم مختلط شوند چه مفاسد وحشتناکی به بار می آید! به طور قطع محیطی به وجود می آید «آماده» و «مهیّا» برای انواع گناهان؛ و روشن است که این گناهان اثر شوم خود را نشان خواهد داد و ازدواجی این چنین، قرین سعادت و خوشبختی نخواهد بود.

چیزی که در این گونه مجالس معنا و مفهوم ندارد، یاد

خدا و پاکی و تقوا و خوشبختی دو زوج جدید است.

تاریخ نیز اسراف کاریهای جنون آمیزی را از سوی ثروتمندان مرفّه و بی درد، و طاغوتهای هر زمان، به خاطر دارد، و از آن جمله ریخت و پاشهای بی حساب «عبّاسیان» از «بیت المال مسلمین» در عروسیهای پر خرجشان است.

در یکی از این گونه مراسم، خلفای عباسی به جای «نُقل» یا «سکّه های کوچک» که بعضی از مردم بر سر عروس می پاشند (و به تعبیر عربها «نثار» می کنند) ورقه های کوچکی را که هر کدام سند مالکیت یک ملک و آبادی ششدانگ! بود، بر سر عروسشان پاشیدند و هر کس یکی از آنها را به دست می آورد مالک یک آبادی می شد (و جالب است که افراد حاضر در آن مجالس، همان درباریان پر پول و ثروتمندان حاشیه نشین بودند).

حال ببینیم در مراسم جشن عروسی این خانواده نمونه وبی نظیر چه گذشت.

یک ماه از مراسم عقد بانوی اسلام علیها السلام با علی علیه السلام گذشت. روزی «امّ ایمن» با جمعی از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله به محضرش شرفیاب شدند، «اُمّ ایمن» مطلب را از جای جالبی که قلب پاک پیامبر صلی الله علیه و آله را به شوق می آورد شروع کرد و گفت :

اگر خدیجه امروز در حیات بود چشمش به عروسی «فاطمه» علیها السلام روشن می شد؛

سپس افزود :

علی علیه السلام خواهان همسر خویش است، چشم فاطمه را به همسرش روشن فرما، و جمع آنها را سامان ده، و چشم ما را نیز با آن روشن کن...

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود :

بروید و اطاقی را در خانه من برای زفاف آنها فراهم سازید.

«امّ ایمن» عرض کرد :

اطاق کدامیک از ما؟

فرمود :

اطاق خودت!

سپس رو به سایرین کرد و فرمود :

بروید و امّسلمه را برای آماده ساختن اطاق یاری کنید.

بعد رو به علی علیه السلام کرد و فرمود:

برو غذای خوبی برای این مراسم آماده کن!

سپس افزود :

گوشت و نان از ما، و خرما و روغن از تو!

علی علیه السلام مقداری خرما و روغن (برای ساختن حلوا، شیرینی لازم برای این مراسم) تهیّه فرمود و خدمت

پیامبر صلی الله علیه و آله آورد، پیامبر صلی الله علیه و آله آستین مبارک را بالا زد و خرما را در روغن مالش داد و حلوا آماده شد.

سپس دستور داد گوسفندی فربه با «نان» فراوان آماده ساختند، بعد به علی علیه السلام فرمود :

اکنون برو و هرکس را میل داری برای جشن عروسی دعوت کن!

علی علیه السلام می گوید :

به مسجد آمدم در حالی که مملو از جمعیّت بود، شرمم آمد که گروهی را دعوت کنم و گروهی را دعوت نکنم، روی یک بلندی قرار گرفتم و صدا زدم ای مسلمانان! همه شما را به «ولیمه» و (جشن عروسی) فاطمه علیها السلام دعوت می کنم. مردم مانند سیل رو به سوی خانه پیامبر صلی الله علیه و آله آوردند، شرم سراپای مرا فرا گرفت چرا که جمعیّت بسیار زیاد بود و غذا کم!

پیامبر صلی الله علیه و آله از آنچه در قلبم گذشت آگاه شد فرمود: علی! غصه مخور من دعا می کنم خدا به این غذا برکت دهد.

مردم گروه گروه آمدند و «نشستند و خوردند و برخاستند» وبرای من دعا کردند و تبریک گفتند، در حالی که عدد آنها بسیار زیاد به نظر می رسید ولی غذا به همه میهمانان رسید!

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد ظرفها را آوردند و از غذا پر کرد و برای خانه همسرانش فرستاد، سپس ظرفی را پر از غذا کرد و گفت این هم برای فاطمه و شوهرش.

آفتاب غروب کرد و پیامبر صلی الله علیه و آله به «امّسلمه» فرمود دخترم فاطمه را بیاور.

امّسلمه می گوید :

رفتم فاطمه علیها السلام را با خود آوردم در حالی که از شدّت شرم وحیا در برابر پدر، عرق از صورت مبارکش فرو می چکید، ناگهان دستپاچه شد و پایش لغزید، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : دخترم خدا تو را در دنیا و آخرت از لغزش حفظ کند.

هنگامی که نزد پیامبر صلی الله علیه و آله ایستاد پیامبر صلی الله علیه و آله گوشه چادر را از صورتش کنار زد و علی علیه السلام چهره مبارکش را دید، سپس دست او را گرفت و در دست علی نهاد و فرمود:

دختر رسول خدا فاطمه بر تو مبارک باد!

سپس افزود :

ای علی! فاطمه زن خوبی است.

و بعد رو به فاطمه کرد و فرمود:

دخترم! علی شوهر خوبی است، برخیزید و به منزل بروید وبرجای باشید تا من بیایم.

علی علیه السلام دست همسرش زهرا علیها السلام را گرفت و به منزل

رفت.

چیزی نگـذشت که پیـامبر صـلی الله علیه و آله آمـد، اجـازه گرفت و وارد شـد. فاطمه علیها السـلام را در کنار خود نشانیـد، و فرمود:

حـال برو ظرف آبی برای من بیاور، فاطمه علیها السـلام ظرف آبی آورد، پیامبر صـلی الله علیه و آله کمی از آب دهان مبارک خود را با آن آب آمیخت، سپس مقداری از آن آب بر سر فاطمه علیها السلام ریخت، بعد فرمود رو به من کن، مقداری از آن را نیز در سینه او ریخت، باز فرمود :

روی برگردان، مقداری از آب را هم میان دو شانه او ریخت، سپس این جمله پرمعنا را به پیشگاه خداوند عرضه داشت :

خداوندا! این دخترم فاطمه و محبوبترین خلق نزد من است. و این برادرم علی و محبوبترین خلق نزد من است.

خدایا! او را ولیّ خود قرار ده و همسرش را بر او مبارک کن!

سپس به علی علیه السلام تبریک گفت و خارج شد.(۱)

یک بار دیگر این حدیث را مرور کنیم، و در بندبند آن وپیامهای صریح و کنایی آن بیندیشیم، و صفا و سادگی ونورانیّتی که بر جزء جزء این مراسم زیبا و باشکوه وروحانی حکمفرما بوده، در نظر مجسّم کنیم :

-- میهمانان، تمام یاران پیامبر صلی الله علیه و آله حاضر در مسجد

۱- بحارالانوار، جلد ۴۳، صفحه ۹۵ و ۹۶ (با تلخیص).

بودند، یعنی چهار هزار نفر!

-- طرز دعوت به آن سادگی از طریق یک پیام شفاهی وعمومی توسّط خود داماد.

-- پذیرش دعوت از سوی همه و شرکت عمومی در این مجلس جشن با شکوه.

-- غذا، منحصر به نان و گوشت و مقداری حلوای خرما به عنوان شیرینی.

-- تهیّه شیرینی با دست خود پیامبر صلی الله علیه و آله صورت گرفت.

-- تقسیم هزینه میان پدر عروس و داماد.

-- برکت عجیب غذا به دعای پیامبر صلی الله علیه و آله و غذاخوردن بی تکلّف اصحاب و تبریک گفتن و رفتن.

-- فرستادن باقیمانده غذا به خانه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله.

-- و آخرین مرحله کنار گذاشتن غذای عروس و داماد از همان باقیمانده غذا.

-- حیا و حجب فوق العاده عروس.

-- سفارش کردن عروس و داماد را به یکدیگر، و تبریک گفتن صمیمانه پیامبر صلی الله علیه و آله به آن دو عزیز.

-- اعلام پایان مراسم جشن عروسی از سوی رسول الله صلی الله علیه و آله.

چه زیبا و باشکوه و با صفاست چنین جشن و چنین

مراسمی!

هرگز انتظار نداریم مردم عیناً چنین کنند، ولی این انتظار هست که از آن هزینه های کمرشکن و اسراف کاریهای جنون آمیز و آلوده شدن به انواع گناهان و بی عفّتی ها بپرهیزند.

سرود شادی !

در آن شب تاریخی زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و بسیاری از زنان مهاجر و انصار نیز شرکت داشتند، و در مجلس خودشان سرود شادی می خواندند که تاریخ سرود چهار نفر را ضبط کرده است:

«امّسلمه» ، «معاذه» (مادر سعدبن معاذ) و «عایشه» (دختر ابوبکر) و «حفصه» (دختر عمر) و ما در اینجا تنها به نقل سرود «حفصه» قناعت می کنیم که از زبان او سخن شنیدن در اینجا بهتر است:

فاطِمَهُ خَیْرُ نِساءِ الْبَشَرِ وَ مَنْ لَها وُجَهٌ کَوَجْهِ الْقَمَرِ

فَضَّلَکِ اللّهُ عَلَی کُلِّ الْوَری بِفَضْلِ مَنْ خَصَّ بِآیِ الزُّمَرِ

زَوَجَّکِ اللّهُ فَتًی فاضِلا اَعْنی عَلِیّاً خَیْرَ مَنْ فی الْحَضَرَ

فَسِرْنَ جاراتی بِها اِنَّها کَرِیْمَهٌ بِنْتُ عَظِیْمِ الْخَطَرِ(۱)

۱- بحارالانوار، جلد ۴۳، صفحه ۱۱۶.

فاطمه بهترین زنان بشر است و صورتی همچون ماه دارد.

خدا تو را بر تمام خلق برتری داده، به فضیلتی مخصوص]داشته[که در آیات سوره زمر بیان کرده است.

خداوند تو را به همسری جوانی با فضیلت درآورد، یعنی علی بهترین مردان جهان.

همسایگان! او را به خانه شوهرش برید که او بزرگواری است دختر مردی گرانمایه.

تمام سرودها - که با آهنگی نه گناه آلود خوانده می شد - پرمحتوا، آموزنده، و الهام بخش بود، و فضای آن جشن روحانی را صفای تازه ای می بخشید، و دوست و دشمن، خود را با آن بزم الهی هماهنگ و همنوا ساخته بودند.

بزم شادی کرّوبیان، و نثار عروس!

اینها همه یک سوی قضیّه و در عالم پایین بود، ولی از روایات اسلامی استفاده می شود که در محفل کرّوبیان و عالم بالا نیز جشنی بسیار گسترده تر و باشکوهتر برپا بود :

مأموران بهشتی به فرمان خدا بهشت را به زیباترین صورتی آراستند.

نسیم عطرآگین بهشتی دستور داشت انواع بوی عطر را در فضای بهشت بیفشاند، و آن را خوشبوتر از همیشه کند.

حوریـان بهشتی سوره هـای قرآن زمزمه می کردنـد... وگوینـده ای از زیر عرش الهی صـدا زد همه آگاه باشـید که امروز روز جشن عروسی علی (و زهرا) است.

سپس خداوند ابر سفیدی را به آسمان فرستاد تا بر آنها دانه های لؤلؤ و زبرجد و یاقوت ببارد!

و فرشـتگان مأموریّت داشـتند دسته های گل بهشتی نثار کنند که جبرئیل امین (آن گونه که قبلا گفتیم) یک دسته از این گلها را همراه با تبریک خود به محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آورد. (۱)

آری! محفلی آنچنـان پاک و با صـفا و روحانی در روی زمین ممکن نیست که جـدا از محفل بهشتیان و ملائکه مقرّبین باشـد، چرا که عالم هستی یک واحد به هم پیوسته و هماهنگ است.

بیایید کاری کنید که محفل جشن عروسی فرزندان شما نیز الگویی از آن گیرد، و ساکنان عالم بالا با آن هم صدا شوند.

پایان

۱- بحارالانوار، جلد ۴۳، صفحه ۱۰۲.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹